

روابط قدرت دخیل در صورت‌بندی گفتمانی مسئله آب ایران در روزنامه‌های شرق و ایران

هادی خانیکی^۱، سیده ثریا موسوی^۲

چکیده

مقاله پیش‌رو به دنبال شناخت روابط قدرت دخیل در صورت‌بندی گفتمانی مسئله آب ایران در روزنامه‌های شرق و ایران است. به این منظور، با استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی و با کاربرد الگوی فرکلاف و ون‌دایک، ۱۴ نمونه معرف از این روزنامه‌ها در بازه زمانی ۱۳۹۲/۵/۱۲ تا ۱۳۹۸/۱۲/۲۹ بررسی شده‌اند. طبق یافته‌ها، برخی از متون روزنامه شرق با هدف زمینه‌سازی برای اجرای برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های دولت‌های یازدهم و دوازدهم منتشر شده است. در روزنامه ایران نیز نقش مسئولان و سیاست‌گذاران در ایجاد بحران و مسئولیت آنان در حل آن کم‌اهمیت قلمداد می‌شود. برخی از متون این روزنامه غیرمستقیم در خدمت توجیه علت ناموفق بودن دولت‌های یازدهم و دوازدهم در حل بحران آب و کاهش مطالبات مردم از دولت است. در روزنامه ایران، مردم به علت مشارکت نکردن در حل بحران سرزنش می‌شوند. به این ترتیب، ساختارهایی که مانع از مشارکت مردم در مسائل می‌شوند رویت‌ناپذیر می‌شوند و مشارکت مردم به صرفه‌جویی تقلیل می‌یابد. این روزنامه جامعه را ناجی آب جلوه می‌دهد و آنان را از تغییر سیاست‌گذاری‌های دولتی دلسرد می‌کند. بر اساس نتایج، اثر قدرت‌های سیاسی و اقتصادی بر صورت‌بندی گفتمان مسئله آب در این روزنامه‌ها مشهود است. رسانه‌های موردبررسی، به جای اینکه نماینده مردم باشند، به سخنگوی دولت تبدیل شده‌اند. پرداختن به مسئله آب به بهانه‌ای برای ناکارآمد جلوه دادن جناح مخالف، کاهش انتظارات از دولت‌های یازدهم و دوازدهم و رفع مسئولیت از قوه مجریه و نمایندگان مجلس تبدیل شده است.

واژگان کلیدی

تحلیل گفتمان انتقادی، روابط قدرت، مسئله آب ایران، روزنامه ایران، روزنامه شرق.

مقدمه

در سال‌های گذشته، کمبود آب به یکی از مسائل زیست‌محیطی ایران تبدیل شده است، به طوری که شاخص‌های مختلف نظیر فالکن مارک و شاخص سازمان ملل^۱ از نامساعد بودن اوضاع آب حکایت دارند. نشانه‌های این مسئله با کاهش سطح دریاچه‌ها و آب‌های زیرزمینی، خشک شدن رودخانه‌ها و فرونشست زمین آشکار شده است. مسائل زیست‌محیطی یکی از نگران‌کننده‌ترین و اساسی‌ترین مسائل جهانی‌اند. برخی از اندیشمندان و محققان معتقدند که رسانه‌ها در ادراک مردم از این مسائل نقش دارند. مثلاً، بویکوف و بویکوف^۲ می‌نویسند که رسانه‌های جمعی در شناسایی و تفسیر موضوعات زیست‌محیطی نقشی اساسی ایفا می‌کنند (۲۰۰۷: ۱۱۹۲). می‌توان ادعا کرد، در دنیای امروز، رسانه به یکی از منابع اصلی فهم و درک جهان تبدیل شده است. باید در نظر داشت که محتوای رسانه خنثی نیست و در بساخت واقعیت نقش دارد. اندرسون^۳ (۲۰۱۴: ۳) بر این اعتقاد است که جریان‌های اطلاعاتی با استفاده از رسانه‌ها و به نفع قدرت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مدیریت و دست‌کاری می‌شوند. ون‌دایک^۴ (۱۹۹۳: ۲۵۴) نیز معتقد است که برخلاف گذشته که قدرت مستقیم و با اجبار نمایان می‌شد، در دنیای امروز قدرت بیشتر شناختی است؛ این نوع قدرت مؤثرتر است و صاحبان آن با کمک شیوه‌هایی، نظیر اقناع و دست‌کاری افکار، ذهنیت دیگران را مطابق با علایق و منافع خود تغییر می‌دهند. اینجاست که اهمیت تحلیل گفتمان انتقادی روشن می‌شود، زیرا دست‌کاری و کنترل اذهان صریح نیست و در متون و گفتار روزمره پنهان می‌شود تا خود را طبعی و مقبول جلوه دهد. فرکلاف نوعی رابطه دیالکتیکی بین رخدادهای ارتباطی و نظم‌های گفتمانی قائل است. به اعتقاد او، رخدادهای ارتباطی نظم‌های گفتمانی را بازتولید می‌کنند و با کاربرد خلاقانه زبان آن را تغییر می‌دهند (یورگنسن و فیلیپس^۵، ۱۳۹۷: ۱۲۵-۱۲۶).

در سال‌های گذشته و به موازات آشکارتر شدن نشانه‌ها و پیامدهای بحران آب، رسانه‌های جمعی نیز به این موضوع توجه کرده‌اند و مطالب مختلفی را در این زمینه به انتشار رسانده‌اند؛ اما همان‌طور که اشاره شد، متون رسانه‌ای خنثی نیستند و جریان‌های قدرت آن را

۱. بر پایه شاخص فالکن مارک (Falkenmark)، ایران دچار «تنش آبی» است؛ بر اساس شاخص سازمان ملل نیز، ایران در وضعیت «بحران شدید آبی» قرار دارد.

2. Boykoff & Boykoff
3. Anderson
4. Van Dijk
5. Jørgensen & Phillips

مطابق منافع خود تغییر می دهند. یکی از پرسش هایی که در این زمینه به ذهن خطور می کند این است که چه روابط قدرتی در صورت بندی گفتمانی مسئله آب ایران در رسانه ها نقش دارند. در این مقاله، برای روشن تر شدن پاسخ این پرسش، بر روزنامه های ایران و شرق تمرکز کرده ایم و در صدد شناخت روابط قدرت دخیل در صورت بندی گفتمانی مسئله آب ایران در این روزنامه ها برآمده ایم. به این منظور، با استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی، ۱۴ نمونه معرف از این دو روزنامه را در بازه زمانی ۱۳۹۲/۵/۱۲ تا ۱۳۹۸/۱۲/۲۹ بررسی کرده ایم. اهمیت این شناسایی را می توان در آشکار شدن منافع و اهداف نهفته در پس این متون دانست. به این ترتیب، مشخص می شود که کنترل اذهان در این متون چگونه است و در جهت منافع چه قدرتهایی است. در حال حاضر، رسانه های برخط، با دسترس پذیری جهانی، مسائل زیست محیطی را پوشش می دهند؛ اما نمی توان اهمیت رسانه های جمعی را نادیده گرفت. محققان ارتباطات دریافته اند که رسانه های جمعی بخشی جدایی ناپذیر از فرایند شکل گیری عقاید سیاسی و اجتماعی اند و عرصه ای را برای بحث پیرامون موضوعات مورد علاقه عموم فراهم می کنند (Friedman, 2015: 144-145). در نتیجه، هر چند در سال های گذشته رسانه های اجتماعی گسترش یافته اند و پژوهش های جدید دانشگاهی نیز به بررسی این رسانه ها توجه کرده اند، نباید فراموش کرد که رسانه های جمعی در شکل گیری عقاید و افکار عمومی در خصوص مسائل گوناگون و به ویژه مسائل زیست محیطی نقش دارند. از این رو، پژوهش درباره محتوا و گفتمان های موجود در رسانه های جمعی ضروری است.

مبانی نظری پژوهش

در این قسمت نخست در بخش های «کمبود آب ایران» و «تغییرات مدیریت آب در ایران» اطلاعات زمینه ای مربوط به موضوع بیان می شوند. در ادامه، مفاهیم «روزنامه نگاری محیط زیست» و «روزنامه نگاری توسعه» مرور می شوند. در پایان، چارچوب مفهومی مقاله توضیح داده می شود.

کمبود آب ایران

تعریف کمبود آب^۱ آسان نیست و اینکه منطقه ای «کم آب» محسوب شود به موارد مختلفی بستگی دارد. بر اساس تعریف بخش آب سازمان ملل^۲، کمبود آب ممکن است به سبب کمبود فیزیکی یا کمبود دسترسی به آب باشد (وبگاه آب سازمان ملل، ۲۰۲۰). ایران

1. Water scarcity
2. UN-Water

در بخشی از کره زمین جای گرفته که از نظر فیزیکی آب در آن کمیاب است. رایزبرمن^۱ (۲۰۰۶: ۳) معتقد است آب در مناطق خشک و پرجمعیت آسیای میانه از لحاظ فیزیکی واقعاً کمیاب است و این کمبود بیشتر برای تولید مواد غذایی است تا مصارف خانگی. برخی از محققان معتقدند که مسئله آب در ایران فقط کمبود فیزیکی آن نیست، بلکه میزان مصرف آب در ایران بیشتر از ظرفیت منابع است. همان‌طور که مسگران و آزادی (۱۳۹۷: ۷) می‌نویسند، میانگین مصرف سالانه آب در ایران حدود ۹۶ میلیارد مترمکعب برآورد می‌شود. این رقم ۸ درصد بیشتر از کل منابع آب تجدیدپذیر (۸۹ میلیارد مترمکعب) است؛ یعنی، ۸۰ درصد بیشتر از حد آستانه کمبود کشور.

طبق آمار، بیشترین میزان مصرف آب در بخش کشاورزی است. از حدود ۱۰۰ میلیارد مترمکعب مصرف آب در کشور حدود ۹۲ درصد آب به بخش کشاورزی، ۶/۵ درصد آن به شرب و بهداشت و ۱/۵ درصد آن به صنعت مربوط است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۹۴: ۱۰). برخی محققان می‌گویند فقط ۶۰ درصد آب باید صرف کشاورزی شود (ولایتی، ۱۳۹۷: ۲۰). کشاورزی ایران به‌طور فزاینده‌ای به منابع زیرزمینی آب وابسته است (Madani, Aghakouchak & Mirchi, 2016). ولایتی (۱۳۹۷: ۲۳۹) معتقد است توسعه کشاورزی از دهه ۱۳۵۰ به بعد مشکلات زیادی را در مصرف آب به دنبال داشته است؛ به‌ویژه، از دهه ۱۳۶۰ به بعد که بهره‌برداری آب از چاه‌های عمیق به اوج رسید و این مخازن به‌مرور با کمبود آب مواجه شدند.

برخی از پژوهشگران نظیر کالینز^۲ و مدنی و همکاران^۳، سیاست خودکفایی گندم را یکی از علل بحران آب ایران می‌دانند. به اعتقاد کالینز، تمرکز دولت بر خودکفایی گندم در بروز مسئله آب ایران نقش مهمی داشته است. البته، او این سیاست را واکنشی به روابط سیاسی پرتنش (از جمله تحریم‌ها) و سیاست داخلی پیچیده ایران می‌داند (۱۳۹۶: ۵-۸). به نظر او، افزایش تنش با آمریکا، جنگ ایران و عراق و تحریم‌ها در اتخاذ سیاست خودکفایی گندم نقش داشته است. مدنی و همکاران نیز تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران را در اتخاذ سیاست خودکفایی گندم دخیل می‌دانند. به نظر ایشان، انقلاب و فشارهای بین‌المللی بر ایران تمایل ایران به استقلال را تقویت کرد (Madani et al. 2016: 1000). افزون بر این، به اعتقاد برخی از محققان، سوءمدیریت^۴ علت اصلی مسئله آب

1. Rijsberman
2. Collins
3. Madani et al.
4. Mismanagement

ایران است. مدنی و همکاران بر این نظرند که ساختار مدیریت آب ایران به علت تعدد ذی نفعان و سیاست گذاران از هماهنگی لازم برخوردار نیست و بر اقدامات کوتاه مدت متمرکز است. به همین علت، اصل «پایداری» مورد غفلت واقع می شود، پیشگیری اولویت ندارد و تا زمانی که مشکلات اصلی با برچسب «بحران» شناخته نشده اند، مغفول می مانند. سازمان محیط زیست که مسئول حراست از محیط زیست است، قدرت سیاسی محدودی دارد و نمی تواند، چنان که باید، از آسیب های زیست محیطی جلوگیری کند (Madani et al. 2016: 1003-1004).

تغییرات مدیریت آب در ایران

به اعتقاد برخی از محققان، دولتی شدن مدیریت آب در ایران یکی از عوامل ایجاد بحران است. تا هنگامی که قنات تنها راه برداشت از منابع آب زیرزمینی بود، قواعد غیررسمی مبتنی بر عرف و روابط بین مردم برداشت آب را تعیین می کرد. در این دوران «باورها» نقش برجسته ای داشتند و بهره برداری اندک بود. افزون بر این، حفر و نگهداری و بهره برداری از قنات به مشارکت مدنی نیاز داشت. تا سال ۱۳۴۷ نظام حقوق آب ایران بر حقوق خصوصی مبتنی بود. به مرور، پس از تصویب قوانینی نظیر «اصلاحات ارضی (۱۳۴۳)، قانون حفظ و حراست منابع آب های زیرزمینی کشور (۱۳۴۵) و قانون آب و نحوه ملی شدن آن (۱۳۴۷)، نقش دولت در مدیریت منابع آب کشور برجسته تر شد» (فرزانه، باقری و قوام آبادی رضانی، ۱۳۹۶: ۷۰). به دنبال آن، بهره برداری از منابع آب زیرزمینی در حوزه حقوق عمومی جای گرفت. سال ۱۳۶۱ قانون توزیع عادلانه آب تصویب شد. در نتیجه، نقش دولت در فرایند مدیریت آب افزایش و مشارکت مدنی در بهره برداری پایدار از آب کاهش یافت. به دنبال این تغییرات، تعادل بین برداشت و تغذیه آب های زیرزمینی به هم خورد (فرزانه و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۰). با تصویب قانون توزیع عادلانه آب، استخراج منابع آب زیرزمینی افزایش یافت. کاهش ذخایر آب های زیرزمینی استراتژیک کشور از دهه ۶۰ ملموس شد و در دهه های ۷۰ و ۸۰ شدت گرفت. سال ۱۳۸۴ قانون «الحاق یک ماده به قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین»؛ و سال ۱۳۸۹ قانون «تعیین تکلیف چاه های فاقد پروانه بهره برداری» تصویب شد (عبدالمنافی و مظاهری، ۱۳۹۵: ۱۰-۱۱). به این ترتیب و بر اساس این قانون، برای ده ها هزار چاه عمیق و نیمه عمیق غیرقانونی مجوز صادر شد.

روزنامه‌نگاری محیط‌زیست

روزنامه‌نگاری محیط‌زیست بخشی از ارتباطات محیط‌زیست محسوب می‌شود. شریفی، مظفری، دلاور و فرهنگی (۱۳۹۷: ۵۵) معتقدند که روزنامه‌نگاری محیط‌زیست با هدف ارتقای آگاهی شهروندان و آموزش مسائل زیست‌محیطی در دنیا مورد توجه قرار گرفته است. ردمکیرزا بر این باور است که به موازات تغییر مسائل زیست‌محیطی از مسائلی نظیر نگهداری محیط‌زیست به موارد مدرن‌تر، شیوه پوشش رسانه از محیط‌زیست نیز دگرگون شده است. به باور او، روزنامه‌نگاری محیط‌زیست نوعی حوزه پیچیده شده که مواردی فراتر از محیط‌زیست را در بر می‌گیرد و سیاست، اقتصاد و مسائل اجتماعی در آن نقش دارند (۲۰۰۴: ۱۴ - ۱۵). به اعتقاد اندرسون، رسانه‌ها و فرایندهای ارتباطی در چگونگی شناخت و ادراک ما از محیط‌زیست و شیوه ایجاد مباحثات و مناقشات زیست‌محیطی نقش مهمی ایفا می‌کنند. به نظر او، با استفاده از رسانه‌ها و ارتباطات است که جریان‌های اطلاعاتی به نفع قدرت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مدیریت و دست‌کاری می‌شوند (Anderson, 2014: 3). کاکس و پزولو^۱ یکی از کارکردهای ارتباطات محیط‌زیست را برساخت‌گر بودن آن می‌دانند. منظور از این کارکرد نقشی است که زبان و نمادهای دیگر در شکل‌دهی به ادراک مردم از واقعیت و ماهیت مسائل زیست‌محیطی ایفا می‌کنند. به نظر آنان، با این دو کارکرد است که ارتباطات محیط‌زیست به درک ما از محیط طبیعی و رابطه ما با آن شکل می‌دهد (۲۰۱۷: ۳۴ - ۳۵).

معمولاً مسائل زیست‌محیطی تا زمانی که به مرحله بحرانی نرسند، مورد غفلت واقع می‌شوند. باوآدام^۲ معتقد است که روزنامه‌نگار زیست‌محیطی باید به این موضوعات مغفول بپردازد. به نظر او، روزنامه‌نگاران محیط‌زیست باید از گزارشگری صرف و تعاریف مقبول آن فراتر بروند و وقایع را پیش‌بینی کنند. روزنامه‌نگاری زیست‌محیطی خنثی نیست؛ بلکه استانداردها و معیارهای خود را دارد؛ روزنامه‌نگاران زیست‌محیطی باید تا حد متعادلی بدبین باشند و کلیشه‌ها و واژگان انتخاب‌شده و ایده‌های پذیرفته‌شده را با دقت بکاوند (Bavadam, 2010: 3-9).

روزنامه‌نگاران حرفه‌ای محیط‌زیست مطالب تحقیقی می‌نویسند، فعالیت‌های غیرقانونی را افشا می‌کنند و به مشکلات زیست‌محیطی درحال‌ظهور می‌پردازند. این

1. Rademakers
2. Cox & Pezzullo
3. Bavadam

روزنامه‌نگاری نیازمند پژوهش‌های پیش‌زمینه و مصاحبه است. میشل فروم، پروفیسور پیشین دانشگاه وسترن واشنگتن، روزنامه‌نگاری محیط‌زیست را فراتر از گزارشگری صرف می‌داند. به نظر او، روزنامه‌نگاری محیط‌زیست شامل «بیان درگیری‌ها، صداقت و هدفمندی، خطر و فداکاری و مراقبت از جهان غیرانسانی» است.^۱

روزنامه‌نگاری توسعه

توسعه ایده‌های مناقشه‌برانگیز است و درباره تعاریف آن اختلاف نظر وجود دارد. به همین ترتیب، مفهوم روزنامه‌نگاری توسعه نیز ممکن است مبهم به نظر برسد. معمولاً، روزنامه‌نگاری توسعه در تناقض با دیدگاه‌های نظری و اخلاقی غربی تثبیت شده درباره روزنامه‌نگاری مفهوم‌سازی می‌شود. ایده اصلی روزنامه‌نگاری توسعه از مدل‌های نظریه‌های ارتباطات و توسعه نشئت گرفته و به موازات این نظریه‌ها با گذشت زمان تغییر کرده است (Chattopadhyay, 2019: 1). روزنامه‌نگاری توسعه به ارائه صرف واقعیت محدود نمی‌شود؛ بلکه توضیحی انتقادی درباره برنامه‌ها و طرح‌های مختلف مربوط به توسعه را در بر می‌گیرد (Chalkley, 1980: 215-217). به عبارت روشن‌تر، روزنامه‌نگاری توسعه، از طریق اصل رویکرد توسعه مشارکتی، به مردم عادی امکان می‌دهد تا از سیاست‌ها و برنامه‌های مربوط به بهبود شرایط زندگی خود مطلع شوند. این نوع روزنامه‌نگاری باید تأثیر برنامه‌ها، طرح‌ها، سیاست‌ها و مسائل مختلف را بر مردم بررسی کند. همچنین، باید به نیازهای مردم بپردازد (Chattopadhyay, 2019: 1). به‌مرور زمان، عناصر جدیدی نظیر محیط‌زیست و بوم‌شناسی به روزنامه‌نگاری توسعه افزوده شده است (Vilamilam, 2009). بدبینی زیادی به کاربرد این روزنامه‌نگاری وجود دارد (Ogan, 1982: 3). برخی از محققان ادعا می‌کنند که روزنامه‌نگاران توسعه برای گردآوری اخبار و اطلاعات فقط به منابع دولتی وابسته‌اند؛ بنابراین، این احتمال وجود دارد که برخی از دولت‌ها، به‌منظور جلب حمایت عمومی، برای انتشار اطلاعات نادرست درباره خط‌مشی‌ها و طرح‌های دولت از روزنامه‌نگاری توسعه استفاده کنند (Chattopadhyay, 2019: 2). از این رو، برخی از محققان از اصطلاح «روزنامه‌نگاری توسعه‌ای»^۲ برای اشاره به این فرایند استفاده می‌کنند. روزنامه‌نگاری توسعه‌ای غیرانتقادی است و برای دستیابی به اهداف توسعه از حکومت حمایت می‌کند. منتقدان روزنامه‌نگاری توسعه‌ای معتقدند این نوع روزنامه‌نگاری به ابزاری برای کنترل مطبوعات تبدیل شده است (Shah, 2008: 2).

1. <http://www.environmentalscience.org/career/environmental-writer>

2. Developmental journalism

روزنامه‌نگاری توسعه‌ای به دولت وابسته است و عینی نیست؛ در نتیجه، کارکنان رسانه در خدمت دولت‌اند. در مقابل آن روزنامه‌نگاری توسعه قرار دارد که در پی مشارکت مردم‌سالار است (Kalyango et al. 2017: 577-578). کالینگو و همکاران (۲۰۱۷: ۵۷۹) بر این نظرند که در رسانه‌های دولتی که کنترل نهادینه شده است، روزنامه‌نگاران بیشتر محتمل است که در جهت روزنامه‌نگاری توسعه‌ای اجتماعی شوند یا به‌اجبار در این چارچوب عمل کنند.

چارچوب مفهومی

با توجه به اینکه تمرکز این مقاله بر روزنامه‌هاست، چارچوب مفهومی آن شامل مفاهیم روزنامه‌نگاری محیط‌زیست و به‌طور ویژه روزنامه‌نگاری توسعه است و در تحلیل متون از این مفاهیم استفاده خواهیم کرد.

روزنامه‌نگاری محیط‌زیست نوعی حوزه پیچیده شده که مواردی فراتر از محیط‌زیست را در بر می‌گیرد و سیاست، اقتصاد و مسائل اجتماعی در آن نقش دارند. یکی از کارکردهای روزنامه‌نگاری زیست‌محیطی برساخت‌گر بودن آن است. مطبوعات در شکل‌گیری آگاهی زیست‌محیطی مردم نقش دارند، اما باید توجه داشت که جریان‌های اطلاعاتی به نفع قدرت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دست‌کاری می‌شوند.

روزنامه‌نگاری توسعه متضمن نقد و بررسی برنامه‌ها و طرح‌های مختلف مربوط به توسعه است. این مفهوم نخست با هدف ارزیابی انتقادی برنامه‌های توسعه و در نظر گرفتن نیازهای مردم شکل گرفت. این نوع روزنامه‌نگاری باید تأثیر برنامه‌ها و طرح‌ها را بر زندگی مردم بررسی کند؛ اما عده‌ای از محققان بر این نظرند که برخی از دولت‌ها از روزنامه‌نگاری توسعه سوءاستفاده می‌کنند. آن‌ها با اصطلاح «روزنامه‌نگاری توسعه‌ای» به این فرایند اشاره می‌کنند. این نوع روزنامه‌نگاری غیرانتقادی است و به ابزاری برای کنترل مطبوعات تبدیل می‌شود. به نظر محققان، روزنامه‌نگاری توسعه‌ای بیشتر در رسانه‌های دولتی بروز می‌کند. به‌طور کلی، رسانه‌ها در ادراک ما از مسائل زیست‌محیطی (از جمله مسئله آب) نقش دارند؛ اما قدرت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جریان‌های اطلاعاتی را دست‌کاری می‌کنند و به بهانه‌های مختلف مطالب روزنامه‌ها را کنترل می‌کنند تا به فهم عمومی از مسائل جهت دهند.

روش پژوهش

در پژوهش پیش‌رو، از روش تحلیل گفتمان انتقادی استفاده شده است. تحلیل گفتمان به‌منظور آشکارسازی محتوا، ساختارها و راهبردهای بنیادین بازنمایی اجتماعی به کار

می‌رود (کوبلی، ۱۳۸۷: ۶۰۲). این روش از اواسط دهه ۱۹۶۰ در رشته‌های مختلفی نظیر علوم اجتماعی، علوم سیاسی و ارتباطات رایج شده است (بهرام‌پور، ۱۳۷۹: ۷-۸). در این پژوهش، برای بررسی مطالب روزنامه‌ها از تلفیق رویکرد فرکلاف و ون‌دایک استفاده شده است؛ به این ترتیب که طبق الگوی فرکلاف هر یک از نمونه‌های معرف در سطوح توصیف، تفسیر و تبیین تحلیل شدند. در مرحله توصیف، از جدولی برای استخراج اطلاعات استفاده شد که برخی از عناصر آن (پیش‌فرض، قطب‌بندی، واژگان مثبت و منفی، کنایه و نقل‌قول) برگرفته از الگوی ون‌دایک و برخی دیگر (استعاره، جملات معلوم و مجهول) برگرفته از الگوی فرکلاف بودند. افزون بر این، با توجه به موضوع پژوهش، مفاهیم مربوط به مسئله آب (علل، راه‌حل‌ها و مقصر) نیز در جدول گنجانده شده بود. در مرحله تفسیر، با استفاده از الگوی فرکلاف، ظاهر و معنای کلام، معانی ضمنی، دلالت‌های متن و انسجام موضعی آن را بررسی کردیم و سپس، معنای محوری متن را مشخص کردیم. مرحله تبیین نیز با توجه به الگوی فرکلاف (عوامل اجتماعی و ایدئولوژی‌ها) صورت گرفت. در این مرحله، متن‌ها با توجه به اطلاعات به‌دست‌آمده از مراحل توصیف و تفسیر و پاسخ به دو پرسش تحلیل شدند: ۱. عوامل اجتماعی: چه نوعی از روابط قدرت در سطوح گوناگون نهادی، اجتماعی و موقعیتی در شکل‌دادن به این گفتمان مؤثر است؟ ۲. ایدئولوژی: چه عناصری از دانش زمینه‌ای که مورد استفاده واقع شده‌اند ویژگی‌های ایدئولوژیک دارند؟

جامعه آماری

برای دستیابی به هدف پژوهش، مطالب روزنامه‌های ایران و شرق در بازه زمانی ۱۳۹۲/۵/۱۲ تا ۱۳۹۸/۱۲/۲۹ بررسی شده‌اند. جامعه آماری این پژوهش همه مطالبی است که در این دوره زمانی با مضمون مسئله آب ایران در روزنامه‌های ایران و شرق چاپ شده است. علت انتخاب بازه زمانی پژوهش این است که در تاریخ ۱۳۹۲/۵/۱۲ دولت یازدهم کار خود را آغاز کرد و این دولت مسائل زیست‌محیطی را در دستور کار خود قرار داده بود. با توجه به برجسته‌شدن مسائل زیست‌محیطی در رسانه‌ها در این سال‌ها، این تاریخ را برگزیدیم. تاریخ ۱۳۹۸/۱۲/۲۹ نیز نزدیک‌ترین تاریخ به زمان اجرای این پژوهش بود. روزنامه شرق به سبب توجه ویژه به مسئله آب و روزنامه ایران به سبب تعلق به دولت انتخاب شدند. علت دیگر گزینش این روزنامه‌ها سراسری بودن آن‌ها بود.

1. Cobley

روابط قدرت دخیل در صورت بندی گفتمانی مسئله آب ایران در روزنامه های شرق و ایران

۷. سرمقاله: نمونه شماره ۷: آتش بر جان آب، قاسم تقی زاده خامسی، شرق، ۱۳۹۵/۵/۵، ص ۱.
۸. یادداشت: گنج نهفته در صرفه جویی مصرف آب، سید حمید احمدی، شرق، ۱۳۹۳/۶/۴، شماره ۲۰۹۷، ص ۹.
۹. یادداشت: کم آبی و صرفه جویی بی هدف، حامد منصوری، شرق، ۱۳۹۳/۶/۴، شماره ۲۰۹۷، ص ۸.
۱۰. یادداشت: داستان اینکه چه شد آب تمام شد، قطره قطره آب می شویم از خشک سالی، دکتر جبار رحمانی، ایران، ۱۳۹۷/۲/۲۶، شماره ۶۷۵۱، ص ۱۵.
۱۱. گزارش: جامعه ایران به آب کُشی ادامه می دهد؛ بحران آب، چشمه جوشان ناهنجاری های اجتماعی، رضا فرخی، ایران، ۱۳۹۴/۷/۱، شماره ۶۰۳۵، ص ۱۶.
۱۲. گزارش: ارتقای بهره وری آب رویکرد دولت در بخش کشاورزی، سهیلا یادگاری، ایران، ۱۳۹۵/۱/۴، شماره ۶۱۷۸، ص ۷.
۱۳. خبر: وزیر نیرو در کنفرانس ملی اقتصاد آب: مصرف بی رویه آب بقای تمدن ایران را تهدید می کند؛ پیام قیمت آب به مردم این است که هر چه می توانید بیشتر مصرف کنید! ایران، ۱۳۹۵/۵/۶، شماره ۶۲۷۱، ص ۵.
۱۴. گزارش: آب طی ۲۰ سال به بحران قرن ایران بدل شد، عطیه لباف، ایران، ۱۳۹۶/۷/۱۶، شماره ۷۶۰۴، ص ۴.

قابلیت اعتماد (اطمینان پذیری)

پژوهشگر کیفی باید نحوه گردآوری داده ها را به خوانندگان توضیح دهد و نشان دهد که داده ها ساختگی نیستند و با دقت لازم گردآوری شده اند. به عبارت روشن تر، باید به خوانندگان نشان دهد که چرا باید به داده های پژوهش او اطمینان کنند (محمدی، ۱۳۹۰: ۱۳۹). به این منظور، در پژوهش پیش رو، جزئیات روش پژوهش، جامعه آماری، روش نمونه گیری، اطلاعات نمونه های معرف و الگوی استفاده شده برای تحلیل را بیان کرده ایم.

یافته های پژوهش

با توجه به حجم زیاد توصیف، تفسیر و تبیین صورت گرفته برای نمونه های معرف، در این قسمت، صرفاً یافته های حاصل از تحلیل این متون به تفکیک هر روزنامه بیان می شوند.

روزنامه شرق

در نمونه شماره ۱ نویسنده عوامل مدیریتی، برنامه ریزی متمرکز و... را مسبب بحران قلمداد

می‌کند و از متهم کردن دولت یا جناحی خاص در این زمینه پرهیز می‌کند. او خواهان تغییر سیاست‌های کلان است. نویسنده دسته‌ای از واژگان منفی را حول برنامه‌ریزی متمرکز و پیامدهای آن به کار برده است. در این متن، واژه‌های «ناسازگار» و «مغایر با توسعه پایدار» چندین بار در متن تکرار شده‌اند تا بر مغایرت برنامه‌ریزی متمرکز با توسعه پایدار تأکید شود. افزون بر این، نویسنده، با ایجاد قطب‌بندی بین «برنامه‌ریزی متمرکز-روش‌های بومی تصمیم‌گیری»، برنامه‌ریزی متمرکز و رویکرد موجود به توسعه را نقد می‌کند. در این نوشتار، کنایه‌ها با هدف نقد بی‌توجهی مسئولان و فن‌سالاران به توصیه‌های خبرگان، نقد ساخت‌وسازهای ناسازگار با طبیعت، انتقاد از ترجیح منافع سیاسی بر دفاع از طبیعت کشور به کار رفته است. نویسنده نقش عوامل مدیریتی را در بحران‌زایی برجسته می‌کند و نسبت‌دادن بحران به طبیعت یا مردم را مسئولیت‌گریزی تلقی می‌کند. مثلاً در قسمتی از متن می‌خوانیم: «... هرگاه سروصدا بلند می‌شود دیوان‌سالاران و مهندسان همه چیز را به گردن طبیعت یا مردم بومی بدون وکیل مدافع می‌اندازند.» (روزنامه شرق، ش ۲۰۸۸: ۹) افزون بر این، در نمونه شماره ۱، نویسنده عملکرد دولت یازدهم را نقد می‌کند. طبق این متن، مسئولیت کارگروه احیای دریاچه ارومیه به مسبب اوضاع (وزارتخانه‌ها) سپرده شده است؛ بنابراین، این نوشتار ظاهرسازی دولت یازدهم را در رسیدگی به مسئله آب رؤیت‌پذیر می‌کند. در این متن می‌خوانیم:

«در ۲۷ مرداد ۱۳۹۲ تشکیل کارگروه نجات ارومیه در دولت یازدهم تصویب شد و شعله‌امیدی در دل‌ها افکند؛ اما مسئولیت کارگروه به وزارتخانه‌هایی داده شد که خود در پنج دهه با مدیریت غلط عامل خشکیدن دریاچه بودند. در ۲۳ بهمن ۹۲ اعلام شد ۱۹ راهکار برای نجات ارومیه در نظر گرفته شده که ماهیت برنامه‌ریزی متمرکزبخشی وزارتی با رویکرد سازه‌ای مغایر با توسعه پایدار داشت. ۱۹ گانه نخست کارگروه سرشار از رویکرد سازه‌ای به مدیریت آب بود با چندین طرح انتقال آب از ارس، خزر! یا طرح‌های عجیبی چون برداشت نمک از سطح خشکیده دریاچه برای نجات آن که با نقد خبرگان روبه‌رو شد.» (روزنامه شرق، ش ۲۰۸۸: ۹)

در نمونه شماره ۲، نویسنده گذشتگان (شاه اسماعیل صفوی) و کشورهای همسایه (افغانستان و ترکیه) را مسبب ایجاد مشکلات فعلی قلمداد می‌کند و نقش مسئولان و دولت را کم‌اهمیت‌تر از آنان می‌داند. در این متن می‌خوانیم:

«اگر شاه اسماعیل صفوی بر طبل جنگ نمی‌کوبید و در مقابل پیشنهاد سلطان عثمانی صفوی مسلک، سلطان بایزید که گفت حاضر است حوزه حکومتی

روابط قدرت دخیل در صورت بندی گفتمانی مسئله آب ایران در روزنامه های شرق و ایران

جد مادری اسماعیل (اوزون حسن) را در قلمرو حکومت جدیدالتأسیس صفوی به رسمیت بشناسد، سرچشمه های دجله و فرات ... در قلمرو ایران می ماند و شامات و عتبات عراق و کلیه کردستان ایرانی می ماند و مثل امروز هم آب دجله و فرات در ترکیه با زدن سدهای عظیم ذخیره نمی شد و حقایق هورالعظیم هم می رسید و خوزستان و جنوب عراق در گردو خاک خفه نمی شد.» (روزنامه شرق، ش ۱:۳۲۲۲)

طبق این متن، مسئولان دولت قبلی (به ویژه احمدی نژاد) با نظرات عوام گرایانه دشت اصفهان را خشکانده و محاسبات شیخ بهایی را بر هم زده اند. نمایندگان دوره هشتم مجلس نیز با تصویب قانون تعیین تکلیف چاه های آب فاقد پروانه بهره برداری در این زمینه نقش داشته اند. البته، تمام این اشارات در متن تلویحی است. در قضیه ایران و ترکیه، ریشه مشکلات به شاه اسماعیل صفوی نسبت داده می شود و مسئولان دولت فعلی از این امر مبرا می شوند. در این متن، دادگاه ها به سبب رسیدگی نکردن، دولت ایران به سبب ناتوانی، مراجع قانونی و فقهای عظام حوزه ها و شورای نگهبان به سبب سکوت سرزنش می شوند. در قسمتی از متن می خوانیم:

«عجیب است که صدای اعتراضی از مراجع قانونی و از فقهای عظام در حوزه ها و در شورای نگهبان در نمی آید؟! به کجا از شکستن حرمت تعرض به حق الناس باید شکایت برد؟ این فقهای معظم چرا در مقابل ابطال طومار شیخ بهایی (ره) ساکت نشسته اند؟ زمانی یک استان همسایه بدون توجه به حق الناس موجود با سابقه تاریخی از زمان مادها بر اساس یک نظر ساده انگارانه و عوام گرا اعلام می کند تپه های دو طرف زاینده رود را که هیچ گونه سابقه کشت ندارند، بکارید و در نتیجه، دشت تاریخی و تمدن ساز اصفهان را می خشکاند (!) زمانی حق الناسی را که یکی از بزرگترین دانشمندان تاریخ تشیع، مرحوم شیخ بهایی اعلی الله مقامه در طومار معروف خود محاسبه، ثبت و عمومی کرده، یک عوام فریب بر هم می زند و فرصت طلبان نیز حق مشروع مردمان پایین دست رودخانه را نادیده می گیرند.» (روزنامه شرق، ش ۱:۳۲۲۲)

بنابراین، مشکلات را مسئولان و حاکمان گذشته ایجاد کرده اند و بخش های مختلف حکومت فعلی صرفاً به سبب حل نکردن این مشکلات مسئول شناخته می شوند. همچنین، در نمونه شماره ۲، نویسنده با کاربرد واژگان منفی احمدی نژاد را در جایگاه منفی قرار می دهد و با عنوان «عوام فریب» از او یاد می کند. در گفتمان این متن، او یکی از افرادی است که «حق الناس» را بر هم زده است.

در برخی از جملات نمونه شماره ۳ کنشگری‌ها مشخص است و نویسنده از فعل‌های معلوم استفاده کرده است. بر اساس معنای ضمنی این جملات، نهادهای دولتی به خدمت‌رسانی به شهرنشینان مشغول‌اند، درحالی‌که نیاز اولیه روستانشینان به آب آشامیدنی تأمین نشده است. بر پایه این متن، طرح‌های آبی که در سال‌های گذشته «کارشناسان به اصطلاح خبره» اجرا کرده‌اند زندگی برخی از روستاییان را تباه کرده است. «ما به سادگی از کنار آن گذشته‌ایم.» پیش‌فرض این عبارت این است که ما (نویسنده و خوانندگان متن) باید به این موضوع حساسیت نشان می‌دادیم؛ اما افرادی که در متن به علت این بی‌اعتنایی سرزنش می‌شوند شهرنشینان و خوانندگان متن‌اند نه مسئولان. افزون بر این، نویسنده با استعاره «شاهرگ» ریشه اصلی بحران آب را نظام «ولخرج» قبل از انقلاب قلمداد می‌کند. در این متن، جایگاه حکومت قبل از انقلاب و مسئولیت آن در استخراج آب‌های زیرزمینی برجسته می‌شود. در مقابل، نقش تحولات بعد از انقلاب در استخراج آب‌های زیرزمینی کم‌اهمیت قلمداد می‌شود. این نوشتار، هنگام اشاره به برخی از اقدامات نادرست گذشته، تأکید می‌کند که این امور از روی ناآگاهی بوده است. به نظر می‌رسد تأکید متن بر ناآگاهی از اقدامات گذشته و نسبت دادن ریشه آن به حکومت قبل از انقلاب سرپوشی بر نقش منافع اقتصادی و سیاسی در خلق بحران کنونی است. این امر انگیزه‌ها، منافع اقتصادی و سیاسی افراد و نهادهایی را که در این زمینه نقش داشته‌اند رویت‌ناپذیر می‌کند. همچنین، نویسنده اقدامات دولت یازدهم را در جایگاه مثبت قرار می‌دهد:

«شواهد نشان می‌دهد در حال حاضر حکمرانان آب کشور به‌جد در جهت حل این معضل گام برمی‌دارند... با این‌همه، نباید برخی اقداماتی را که شروع شده، ولو به نتیجه کامل نرسیده باشد، نیز از نظر دور داشت. اقداماتی مانند قانون توزیع عادلانه آب، فعال‌شدن شورای عالی آب، تأسیس نظام مهندسی کشاورزی، قانون بهره‌وری آب و کشاورزی، آیین‌نامه رسیدن به تعادل بخشی دشت‌های آب زیرزمینی یا سند ملی آبیاری که قرار است آب به‌صورت حجمی و در حد نیاز به کشاورزان تحویل شود و وزارتخانه‌های نیرو و جهاد کشاورزی ملزم به اجرای آن هستند.» (روزنامه شرق، ش ۲۶۲۹: ۵)

افزون بر این، در برخی از جملات این متن که چگونگی ایجاد بحران روایت می‌شود، کنشگری‌ها مجهول‌اند. در بعضی جملات نیز از ضمیر مای انضمامی استفاده شده است و «ما» جایگزین مسئولان، تصمیم‌گیران و سیاست‌مداران شده است. کنشگر حذف‌شده برخی جملات متن مسئولان، تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران بخش آب

کشورند. انگیزه ایدئولوژیک این حذف و استفاده از ضمیر «ما» به جای کنشگر اصلی را می توان پنهان کردن نقش مسئولان، تصمیم گیران و سیاست گذاران در مسئله آب کشور در نظر گرفت. با نامشخص بودن کنشگری ها، ساختارهای قدرت و سیاست ها و منافع اقتصادی افرادی که در این ساخت و سازها نقش داشته اند رؤیت ناپذیر می شوند. یکی از اهداف انتشار نمونه شماره ۳ را می توان زمینه سازی برای اجرای سیاست های تعادل بخشی و تغییر سیاست خود کفایی دانست.

در نمونه شماره ۴، کمبود منابع آب به اشتباهات گذشته در سیاست گذاری ها نسبت داده می شود. برخی از قسمت های این متن به موانع کاهش مصرف در بخش کشاورزی اشاره می کند. طبق قسمت هایی از متن که نقل سخنان عیسی کلانتری است، مردم از لزوم کاهش مصرف آب در بخش کشاورزی نا آگاه اند و مسئولان باید آنان را «توجیه» کنند: «ما یک سال است در حوزه دریاچه ارومیه در حال توجیه مردم برای مصرف کمتر آب کشاورزی هستیم. همین کار باید در سطح ملی انجام شود.» (روزنامه شرق، ش ۲۲۸۶: ۴) این سخنان بر عوامل سیاسی و اقتصادی که در روی آوردن مردم به کشاورزی نقش داشته سرپوش می گذارد. بخشی از سخنان کلانتری به اشتباهات متعدد در مدیریت منابع آب اشاره دارد. در جملات او، ما جایگزین مسئولان و سیاست گذاران شده است. به این ترتیب، مسئولیت آنان در این اشتباهات رؤیت ناپذیر می شود. همچنین، در بخشی از متن که به سیاست اشتباه کشت گندم در اوایل انقلاب اشاره می شود از جملات مجهول استفاده شده است. به این ترتیب، افرادی که مسئول سیاست گسترش کشت گندم در اوایل انقلاب بودند پنهان می ماند: «در محاسبه مکان این سد اشتباه شده است... سیاست ها بدون در نظر گرفتن مسئله توسعه پایدار اعمال می شد... در سال های اول انقلاب دستور داده شد در تمام مراتع گندم کشت شود.» (روزنامه شرق، ش ۲۲۸۶: ۴)

افزون بر این، در نمونه شماره ۴، عیسی کلانتری، حسن روحانی، دولت یازدهم و کارشناسان در جایگاه مثبت اند. در این متن، نوعی قطب بندی بین دولت یازدهم و برخی از نمایندگان مجلس ایجاد شده است. دولت یازدهم در جایگاه مثبت است و نمایندگان مجلس در جایگاه منفی. در گفتمان متن، مشکلات آب را دولت های گذشته ایجاد کرده اند. دولت یازدهم قصد دارد اوضاع آب را بهبود دهد. به نظر می رسد هدف کلانتری از این قطب بندی نشان دادن فشارهایی است که برای اجرانشدن تصمیمات دولت وجود دارد. انگیزه این امر را می توان کاهش انتظار افکار عمومی از دولت یازدهم برای حل بحران آب و احیای دریاچه ارومیه دانست. نمونه شماره ۴

سال ۱۳۹۴ و در آستانه تدوین برنامه ششم توسعه منتشر شده است. این متن بر نقد سیاست خودکفایی گندم متمرکز شده است و کاهش مصرف در بخش کشاورزی را راهکار قلمداد می‌کند. یکی از اهداف اصلی انتشار این مطلب زمینه‌سازی برای تغییر سیاست‌های تخصیص آب است. افزون بر این، برخی از بخش‌های متن زمینه‌سازی برای اجرای طرح تعادل بخشی است.

یکی از اهداف انتشار نمونه شماره ۵ را نیز می‌توان مسئله جلوه‌دادن آب و یادآوردن لزوم سیاست‌گذاری در این زمینه دانست؛ اما به نظر می‌رسد هدف پنهان آن تلاش برای تغییر سیاست خودکفایی گندم است. به‌ویژه اینکه متن بر بلندمدت بودن برنامه‌ریزی‌ها تأکید می‌کند و این یادداشت پیش از تدوین برنامه ششم توسعه نگاشته شده است. همچنین، قرائن متن نشان می‌دهد نویسنده با انتقاد از سیاست‌های موجود در پی توجه سیاست‌گذاری‌ها و سرمایه‌گذاری دولت یازدهم در زمینه کاهش مصرف آب است.

در نمونه شماره ۶، مسئولان وزارت نیروی دولت دوازدهم در جایگاه اطلاع‌رسانی‌اند: «مسئولان وزارت نیرو تأکید می‌کنند که این بارش‌ها تأثیر زیادی در وضعیت حاد منابع آبی کشور نداشته‌اند.» (روزنامه شرق، ش ۲۲۸۶: ۴)؛ در حالی که «حفاظت، کنترل و بهره‌برداری از منابع آب‌های سطحی و زیرزمینی» از اهداف تشکیل این وزارتخانه است (وبگاه وزارت نیرو، ۱۳۹۹). در این یادداشت، هیچ انتقادی به مسئولان وزارت نیرو در زمینه کنترل نکردن آب ناشی از بارندگی‌ها وارد نمی‌شود. این موضوع را می‌توان در جهت حمایت از دولت دوازدهم تعبیر کرد. عنوان متن «برف بارید، کمبود آب باقی است.» نیز هماهنگ با این هدف است. می‌توان انگیزه پنهان نمونه شماره ۶ را حمایت از سیاست‌های دولت دوازدهم در زمینه آب در نظر گرفت. به عبارت روشن‌تر، این متن نوعی زمینه‌چینی برای سیاست‌های دولت است. افزون بر این، نویسنده برای معیشت جانشین کشاورزی ذکر می‌کند: «به‌منظور کاهش مصرف آب، لازم است بخشی از معیشت سنتی مردم از کشاورزی به شغل‌های جایگزینی مانند گردشگری تغییر پیدا کند.» (روزنامه شرق، ش ۲۲۸۶: ۴). پیش‌بردن فعالیت‌های اقتصادی کشور به سمت گردشگری از برنامه‌های دولت دوازدهم بود؛ بنابراین، این متن نوعی زمینه‌چینی برای سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های دولت دوازدهم است.

در نمونه شماره ۷، دوره هشت‌ساله ریاست جمهوری احمدی‌نژاد در جایگاه منفی است. عنوان متن «آتش بر جان آب» استعاره‌ای از این دوران است. نویسنده، در این متن، دوره ریاست جمهوری احمدی‌نژاد را مسبب اوضاع نابسامان آب تلقی می‌کند، اما مسئولان

دوره کنونی افرادی قلمداد می شوند که برای کاهش مصرف آب تلاش می کنند و تلاش آنان بی ثمر است؛ زیرا «احساس زوال اجتماعی» در دوره هشت ساله قبلی بر جامعه حاکم شده است. در این متن، وظیفه مسئولان دولت یازدهم در زمینه آب منحصر به درخواست صرفه جویی و ارائه آمار و اطلاعات است. در نتیجه، وظایف و مسئولیت های اصلی آنان رؤیت ناپذیر می شود. افزون بر این، نویسنده وظیفه مسئولان را به درخواست صرفه جویی محدود می کند و علت موفق نشدن آن ها را نیز به مردم و اوضاع جامعه نسبت می دهد:

«... اما چرا مردم نسبت به آن حساسیت نشان نمی دهند و هرچه مسئولان ذی ربط تلاش می کنند، نتیجه عکس می گیرند؟! چون صیانت از منابع آبی نیازمند «محیط اجتماعی» است و اگر در جامعه ای احساس زوال اجتماعی حاکم شود، «انفعال» و «تقدیرگرایی» جای خود را به «اعتماد» می سپارد و هرچه برای کاهش مصرف آب و برق استمداد می طلبند، کمتر لیبک می شنوند؛ سکوتی که فضای ادراکی جامعه از «همراهی» با آنان را نشان می دهد.» (روزنامه شرق، ش ۲۶۴۰: ۱)

حتی در قسمتی از متن، مردم و جامعه به جای کنشگر اصلی سرزنش می شوند. افزون بر این، کاربرد «لیبک» در این جمله هم بیانگر لزوم تبعیت مردم از مسئولان است و هم بیانگر تنهاماندن مسئولان در اجرای سیاست های صرفه جویی. در گفتمان این متن، مردم و دولت های نهم و دهم در جایگاه منفی اند. به این ترتیب، دولت های نهم و دهم مسبب ایجاد بحران و احساس زوال اجتماعی معرفی می شوند. مردم هم در این متن در جایگاه منفی هستند، رکورد مصرف آب را شکسته اند و به درخواست های مسئولان اعتنایی نمی کنند. به این ترتیب، مسئولیت دولت یازدهم در زمینه حل مشکل آب به حاشیه رانده می شود. نویسنده در نمونه شماره ۸ از انتقاد مستقیم به مسئولان و اشاره به نقش آنان می پرهیزد. تنها نقد مستقیمی که به نهادهای مرتبط با آب وارد می کند این است که درخواست آنان برای صرفه جویی شهروندان بر راهکاری هدفمند مبتنی نیست. در جملاتی مانند «فرهنگ صرفه جویی در تمام فصول سال باید... نهادینه شود.» از شکل مجهول استفاده می کند؛ اینکه چه نهاد یا فردی باید عهده دار این کار باشد نامشخص است. این نوشتار مسئله آب را ناشی از عوامل طبیعی نظیر خشک سالی قلمداد می کند و تنها عامل انسانی دخیل در ایجاد بحران را مصرف زیاد مردم برمی شمارد. همچنین، تنها راهکار برون رفت از بحران را صرفه جویی برمی شمرد:

متأسفانه کمبود و بحران آب ناشی از خشک سالی های پی در پی بسیار جدی شده است

و درخواست‌های مداوم و البته عاری از راهکار هدفمند نهادهای مرتبط با تأمین آب کشور مبنی بر صرفه‌جویی شهروندان در مصرف آب نشان از شرایط وخیم و بحرانی در تأمین آب مصارف شهری دارد. با وجود توصیه‌های اکید اخلاقی در صرفه‌جویی و مصرف بهینه آب، باید این حقیقت را پذیرفت که طبق نظر وزیر نیرو، در حال حاضر، ایرانی‌ها دو برابر استاندارد جهانی آب شهری استفاده می‌کنند و در بخش کشاورزی نیز با راندمان مصرف آب بسیار کم در حدود ۳۳ درصد آب را هدر می‌دهند. (روزنامه شرق، ش ۹:۲۰۹۷)

این متن را می‌توان حامی قدرتی دانست که نقش خود را در ایجاد بحران پنهان می‌کند و وظیفه خود را در حل آن به ترویج فرهنگ صرفه‌جویی تقلیل می‌دهد. نویسنده در قسمتی از متن به وزیر نیرو استناد کرده است. استناد او به وزیر نیرو و پرهیز از نقد اقدامات دولت را می‌توان نشانی از حمایت از دولت یازدهم دانست. به‌ویژه، به این علت که وزیر نیرو در این متن در جایگاه منبع خبر است نه مقام مسئول. این نکته را می‌توان در جهت مسئولیت‌زدایی از او محسوب کرد. در واقع، مسئولیت او از این متن حذف شده است.

در نمونه شماره ۹ نویسنده غیرمستقیم پیشینیان را در تقابل با «مسئولان فعلی» قرار می‌دهد. همچنین، او در مواردی که کنشگر اصلی مسئولان‌اند، از حذف کنشگر استفاده می‌کند و با جایگزینی ضمیر ما به جای مسئولان، از اشاره مستقیم به آنان می‌پرهیزد: «بهتر است قبل از آنکه فرصت‌ها به تهدید تبدیل شوند، به جای تبلیغ بی‌نامه «صرفه‌جویی»، در مسیر درست احداث و اصلاح طرح‌ها گام برداریم.» (روزنامه شرق، ش ۸:۲۰۹۸) همچنین، در این متن، واژه مثبت «مسیر درست» با احداث و اصلاح طرح‌ها هم‌نشین شده است. با توجه به معنای قانونی متن و راهکارهایی که پیشنهاد می‌شود، این متن را می‌توان نوعی زمینه‌چینی برای اجرای برنامه‌های دولت یازدهم و اختصاص منابع به طرح‌ها دانست.

روزنامه ایران

در نمونه شماره ۱۰ نویسنده مدعی است که «عوامل انسانی و اجتماعی» اوضاع را بحرانی کرده است. استفاده از عبارت عوامل انسانی و اجتماعی نوعی پوشش برای نقش عوامل مدیریتی است، زیرا نویسنده می‌توانسته، به جای این کلمات، از عبارت «عوامل مدیریتی» نیز استفاده کند:

طبق پیش‌بینی‌ها و بررسی‌های علمی، ایران وارد برهه‌ای از خشک‌سالی شده است که حداقل سه دهه طول خواهد کشید و اکنون در هشتمین سال این دوره خشک‌سالی هستیم. علاوه بر این وضعیت بغرنج طبیعی، عوامل انسانی و اجتماعی مزید بر علت شده و این وضعیت طبیعی را به یک بحران بدل کرده است. (روزنامه ایران، ش ۱۵:۶۷۵۱)

انگیزه پنهان او را می توان کم رنگ جلوه دادن نقش عوامل مدیریتی در ایجاد بحران دانست. افزون بر این، نویسنده در قسمتی از متن از این عبارت استفاده کرده است: «چرایی واکنش درست/ غلط جامعه ایرانی و نظام سیاست گذاری آن.» این عبارت تلویحاً به این معناست که نظام سیاست گذاری برآمده از جامعه ایران است. در این متن، نویسنده از اشاره مستقیم به سیاست گذاران و انتقاد از آنان می پرهیزد. در مقابل، کنشگر برخی از جملات معلوم این متن مردم اند. به این ترتیب، نویسنده وظیفه و مسئولیت حل بحران آب و تغییر اقتصاد رانتی متکی بر آب را به مردم می سپارد. در نتیجه، وظایف مسئولان در حل بحران و ناتوانی آنان در ایجاد تغییرات رؤیت ناپذیر می شود. طبق این متن، اقتصاد ایران به «آب» و «نفت» وابسته است و کشاورزان از «آب» «ارتزاق» می کنند. شخصیت نوکیسه نیز برخاسته از این نظام اقتصادی است و مستقیماً با «خام خواری» و غیرمستقیم با مصرف تجملی در غارت منابع نقش دارد. به این ترتیب، گفتمان متن، غیرمستقیم، در خدمت توجیه علت ناموفق بودن سیاست گذاران و دولت در حل بحران آب است.

نمونه شماره ۱۰ از ساختارها انتقاد نمی کند و بیشتر بر نقد کنش ها متمرکز است. نویسنده در بند آخر یادداشت خود می گوید که راه حل صرفاً در ساختارهای سیاسی نیست: نمی توان راه حل را صرفاً در ساختارهای سیاسی جست؛ بلکه به طور هم زمان باید ساختارها، کارگزاران و کنشگران کوچه و خیابان هم در حل این بحران همراه و همدل شوند. جامعه باید به فکر نجات خود باشد، هر چند قطعاً آخرین نقطه ای که حرکت می کند، سیاست گذاران خواهند بود... هر کس باید در حد وسع خود در محیط خود و در خودش اصلاح را شروع کند. (روزنامه ایران، ش ۶۷۵۱: ۱۵)

به نظر می رسد با این جملات می خواهد به مخاطبی که منتظر راه حل های بالا به پایین است بقبولاند که «جامعه باید به فکر نجات خود باشد». بر اساس این نوشتار، اصلاح این ساختارها از جامعه آغاز می شود. ساختارها بحران را ایجاد کرده اند، اما مردم باید اصلاح را آغاز کنند. این متن در روزنامه ایران که رسانه وابسته به دولت است، چاپ شده است. هر چند به ظاهر به نقش سیاست گذاری ها در ایجاد بحران اشاره می شود؛ با سپردن وظیفه بحران آب به مردم، نقش و وظیفه مسئولان در حل آن به حاشیه رانده می شود. انگیزه پنهان انتشار آن در روزنامه ایران را می توان کاهش مطالبات مردم از دولت دوازدهم در زمینه آب دانست. در این متن، مردم به علت مشارکت نکردن در حل بحران سرزنش می شوند. به این ترتیب، ساختارهایی که

مانع از مشارکت مردم در مسائل می‌شوند رؤیت‌ناپذیر می‌شوند و مشارکت مردم به صرفه‌جویی تقلیل می‌یابد.

در نمونه شماره ۱۱ نویسنده از همان آغاز (تیترا) جامعه ایرانی را بابت «آب‌کشی» سرزنش می‌کند: «جامعه ایران به آب‌کشی ادامه می‌دهد.» (روزنامه ایران، ش ۶۰۳۵: ۱۶) طبق معنای ضمنی عبارت «آب‌کشی»، مسئله آب ناشی از عوامل طبیعی نیست. در گفتمان این متن، جامعه ایرانی مسئول مرگ آب است و به سبب هدر دادن آب و بی‌توجهی به نیازهای آیندگان سرزنش می‌شود. در این متن، مسئولان در جایگاه اطلاع‌رسانی‌اند و وظیفه آنان به ذکر آمار بارش‌ها و مصرف آب منحصر می‌شود. این امر در جهت رؤیت‌ناپذیر کردن وظایف و مسئولیت‌های اصلی آنان است. طبق جملات معلوم و مجهول این متن نیز، جامعه ایرانی بی‌توجه به مسئله آب و هدر دهنده آب بازنمایی شده است؛ درحالی‌که مسئولان هشداردهنده و در نقش خنثی بازنمایی شده‌اند، گویی که هیچ مسئولیت و وظیفه دیگری بر عهده آنان نیست و نقشی در ایجاد بحران نداشته‌اند. نادیده گرفتن ساختارها و نقش عوامل مدیریتی و نیروهای اقتصادی‌سیاسی و مقصر جلوه دادن مردم و سپردن مسئولیت حل بحران به آنان در جهت مسئولیت‌زدایی از مسئولان است. جان‌مایه این جملات که «فردگرایی نسل جوان جانی آب است و صرفه‌جویی مشکل کم‌آبی را حل می‌کند.» هماهنگ با همین هدف است.

در نمونه شماره ۱۲ نیز وظایف دولت به ارائه آمار و اطلاعات، تأمین تسهیلات، تجهیز فنی و برنامه‌ریزی تقلیل می‌یابد:

دولت در راستای حمایت‌های مالی از کشاورزان در اجرای طرح‌های نوین آبیاری، برای اجرای هر هکتار آبیاری تحت فشار ۴ میلیون تومان و برای هر هکتار آبیاری قطره‌ای ۵/۵ میلیون تومان تسهیلات بلاعوض به کشاورزان می‌دهد... با پیگیری‌های رئیس‌جمهوری و عنایت ویژه رهبر معظم انقلاب بیش از این مبلغ نیز از سایر منابع برای چگونگی استفاده بهینه از منابع آبی و اجرای طرح‌های آبیاری تحت فشار اختصاص یافت... (روزنامه ایران، ش ۶۱۷۸: ۷)

طبق نمونه شماره ۱۲، «بیش از ۷۵ درصد آب مصرفی» در بخش کشاورزی هدر می‌رود. پیش‌فرض اصلی متن این است که مصرف زیاد آب در بخش کشاورزی ناشی از سیستم غیراصولی آبیاری و عدم تناسب محصول با اقلیم است. ساختار متن بر همین پیش‌فرض استوار است؛ زیرا اگر مصرف زیاد آب در بخش کشاورزی علتی غیر از اشکالات باغداری و کشاورزی داشته باشد، اقدامات و طرح‌های دولت بی‌ثمر

به نظر می رسد. به دنبال این پیش فرض، «اعمال شیوه های صحیح مصرف» راهکار انحصاری مقابله با کمبود آب معرفی می شود. منظور از شیوه های صحیح مصرف در این متن استفاده از آبیاری تحت فشار، اصلاح الگوی کشت، محدودیت کشت های آبربر و کشت گلخانه ای است که در بخش های مختلف به تفکیک توضیح داده می شود. با نسبت دادن مصرف زیاد آب در کشاورزی به آبیاری سنتی و نوع کشت، ساختارها و سیاست ها و تصمیماتی که در افزایش مصرف آب در بخش کشاورزی در ایران اثرگذار بوده اند رؤیت ناپذیر می شوند. به طور کلی، سلسله پیش فرض های متن در خدمت این است که عملکرد دولت در زمینه آب و کشاورزی را مثبت جلوه دهد. در این متن، ساختارها و افرادی که در هدررفت آب نقش داشته اند رؤیت ناپذیر می شوند و هدررفت آب به سیستم های آبیاری یا عواملی مانند نوع الگوی کشت نسبت داده می شود. برخی جملات این متن آن را به گزارش عملکرد دولت شبیه کرده است: «حرکت روبه جلو و با برنامه دولت یازدهم در مهار آب ها و استفاده بهینه از این موهبت بزرگ الهی بی نظیر است.» (روزنامه ایران، ش ۶۱۷۸: ۷) این متن را می توان گزارش اجرایی شدن برنامه های زیست محیطی دولت یازدهم قلمداد کرد. به همین علت است که نویسنده در قسمت های مختلف متن از اعطای تسهیلات به کشاورزان برای تغییر روش های آبیاری سخن به میان می آورد.

طبق نمونه شماره ۱۳، مردم در مصرف آب زیاده روی می کنند و ریشه زیاده روی در مصرف به قیمت کم آب نسبت داده می شود:

در کشوری که با خشک سالی دست و پنجه نرم می کند، مصرف کنندگان دائماً آب بیشتری را تقاضا می کنند... وزیر نیرو معتقد است که قیمت های پایین فروش آب موجب شده تا مردم برای مصارف خود حدی قائل نباشند... زمانی که قیمت آب اصلاح نشود، چراغ سبز مصرف بیشتر برای مصرف کنندگان روشن است. (روزنامه ایران، ش ۶۲۷۱: ۵)

در نتیجه، به عوامل اجتماعی سیاسی دیگری (نظیر فاصله دولت و ملت) که در این زمینه نقش دارند هیچ اشاره ای نمی شود. همچنین، مسئولیت دولت در زمینه کاهش مصرف به تنظیم قیمت آب فروکاسته می شود. در پی آن، وظایف و مسئولیت های دیگر دولت نادیده گرفته می شوند. این متن حتی «تهدید حیات تمدن ایرانی» را به مصرف مردم نسبت می دهد. در نتیجه، ساختارها و سیاست هایی که در بحران آب نقش داشته اند رؤیت ناپذیر می شوند. در گفتمان این متن، دولت و نهادهای مختلف

آن وظیفه تنظیم قیمت آب، هشداردهی به مردم، ابراز تأسف، ارائه آمار و ارقام، تأمین آب با راهکارهای فنی و سرمایه‌گذاری را بر عهده دارند. همچنین، جملات تهدیدآمیزی از وزیر نیرو نقل می‌شود که به مردم هشدار می‌دهد اگر مصرف آب کاهش نیابد، دولت قیمت آن را افزایش خواهد داد. به عبارت روشن‌تر، در گفتمان این متن، دولت هشداردهنده و سرزنشگر مردم است.

در نمونه شماره ۱۳ نویسنده خواهان همکاری متخصصان و اندیشمندان فنی و علوم انسانی است. با توجه به اینکه عوامل طبیعی و به‌ویژه مصرف زیاد را مسبب وضعیت آب قلمداد می‌کند و راه‌حل افزایش قیمت و سرمایه‌گذاری را برای آن در نظر می‌گیرد، به نظر می‌رسد منظور همکاری برای مواردی نظیر کاهش مقاومت مردم در برابر افزایش قیمت آب باشد؛ بنابراین، اگر متن خواهان همگانی‌شدن مسئله آب است، صرفاً تسهیل راهکارهای بالا به پایین، فنی و دولتی را مدنظر دارد، نه مشارکتی که لازمه حکمرانی مطلوب آب است.

طبق پیش‌فرض‌های نمونه شماره ۱۴، بحران از گذشته ایجاد شده و علت اصلی آن «مدیریت بحران‌زا» است. با توجه به قرائن متن، «مدیریت بحران‌زا» به معنای سدسازی، اشتباهات مدیریتی و برنامه‌ریزی نادرست و تبدیل مطالعات سدسازی امریکایی‌ها به پروژه است. این نوشتار، بلافاصله بعد از اینکه مدیریت نادرست را علت اصلی بحران آب قلمداد می‌کند، به سدسازی‌ها می‌پردازد؛ اما سدسازی‌ها را به امریکایی‌ها و انگلیسی‌ها نسبت می‌دهد و نقش مسئولان، سیاست‌گذاران بعد از انقلاب و شرکت‌های سدسازی را به حاشیه می‌راند:

سدهایی که پیش از انقلاب مطالعات آن‌ها را امریکایی‌ها و انگلیسی‌ها انجام داده بودند... درست زمانی که داری برای بهره‌برداری از منابع نفتی وارد ایران شد، امریکایی‌ها برای بررسی مکان‌یابی سدها به ایران آمدند و مناطقی را مشخص کردند که پتانسیل سدسازی دارد... (روزنامه ایران، ش ۴:۷۶۰۴)

در این نوشتار، بحران آب امری مربوط به گذشته تلقی می‌شود. همچنین، مدیریت بحران‌زا علت نخست بحرانی‌شدن اوضاع است، اما این مدیریت امری مربوط به گذشته قلمداد می‌شود؛ گذشته‌ای که نقش امریکا و انگلیس در آن مشخص‌تر از سیاست‌گذاران و مسئولان بعد از انقلاب است. به نظر می‌رسد این امر در جهت مسئولیت‌زدایی از دولت دوازدهم در حل بحران آب است. افزون بر این، یکی از وعده‌های دولت یازدهم احیای دریاچه ارومیه بود. در قسمتی از متن ذکر شده: «احیای برخی از منابع نظیر دریاچه ارومیه بعید به نظر می‌رسد.» (روزنامه ایران، ش ۴:۷۶۰۴) طبق معنای ضمنی این جمله، احیای

ارومیه کاری بعید است، نه اینکه دولت قادر به عمل کردن کامل به وعده خود نباشد. طبق نمونه شماره ۱۲، «دولت، مجلس، رئیس جمهور و رهبر معظم انقلاب» در تأمین منابع مالی مورد نیاز برای تجهیز اراضی به آبیاری تحت فشار نقش داشته اند. در این متن، نقش حکومت در حل بحران آب به تأمین منابع مالی تقلیل یافته است. کشاورزان نیز افرادی منفعل و نیازمند حمایت تلقی می شوند: دولت در راستای حمایت های مالی از کشاورزان در اجرای طرح های نوین آبیاری... تسهیلات بلاعوض به کشاورزان می دهد... مجلس شورای اسلامی هزار میلیارد تومان به اعتبارات آبیاری تحت فشار اضافه کرد... با پیگیری های رئیس جمهوری و عنایت ویژه رهبر معظم انقلاب بیش از این مبلغ نیز از سایر منابع برای چگونگی استفاده بهینه از منابع آبی و اجرای طرح های آبیاری تحت فشار اختصاص یافت. (روزنامه ایران، ش ۶۱۷۸: ۷) بر اساس نمونه شماره ۱۴، تکلیف اقداماتی که دولت باید اجرا کند در متن مشخص شده است:

«طرح آمایش سرزمین، جلوگیری از ورود آلاینده ها اعم از پسماند و پساب ها به منابع آبی، پرداخت حبابه محیط زیست، اجرای طرح تعادل بخشی آب های زیرزمینی و کاهش برداشت از منابع آب زیرزمینی به میزان ۲۵ تا ۳۰ میلیارد مترمکعب طی ۵ سال از جمله اقداماتی است که باید با جدیت اجرا شود.» (روزنامه ایران، ش ۴: ۷۶۰۴)

این اقدامات شامل مواردی است که دولت برای آن ها برنامه دارد. همان طور که در بند ۱-۹ برنامه و خط مشی دولت دوازدهم ذکر شده است، «تخصیص حبابه محیط زیستی رودخانه ها، تالاب ها، دریاچه ها» و «اجرای طرح تعادل بخشی آب های زیرزمینی» (برنامه و خط مشی دولت دوازدهم، ۱۳۹۶: ۷۰) مواردی هستند که دولت دوازدهم برای آن ها برنامه ریزی کرده است. به این ترتیب، با انتشار این متن، حرکت دولت دوازدهم در مسیر حل بحران آب قلمداد می شود.

در قسمتی از این متن ذکر شده «باید از این به بعد اشتباهات گذشته را تکرار نکنیم.» (روزنامه ایران، ش ۴: ۷۶۰۴) در این جمله از فعل اول شخص جمع استفاده شده است. طبق قرائن متن، منظور از اشتباهات گذشته همان سدسازی و فناوری حفر چاه است. استفاده از عنوان کلی «اشتباهات گذشته» به جای ذکر دقیق مصادیق اشتباهات را می توان در جهت اشاره نکردن به این موضوع دانست که در زمان انتشار این متن، سدسازی و حفر چاه همچنان ادامه دارد.

بحث و نتیجه گیری

مقاله پیش رو در صدد شناخت روابط قدرت دخیل در صورت‌بندی گفتمانی مسئله آب ایران در روزنامه‌های شرق و ایران در بازه زمانی ۱۳۹۲/۵/۱۲ تا ۱۳۹۸/۱۲/۲۹ بود. به این منظور، ۱۴ نمونه معرف از این دو روزنامه با روش تحلیل گفتمان انتقادی و با الگوی فرکلاف تحلیل شدند. برخی از مهم‌ترین نتایج این پژوهش به این شرح است: بیشتر متون بررسی شده روزنامه شرق با هدف زمینه‌سازی برای اجرای برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های دولت‌های یازدهم و دوازدهم (نظیر طرح تعادل‌بخشی آب‌های زیرزمینی) منتشر شده است. باید در نظر داشت که این روزنامه متعلق به اصلاح‌طلبان است و آن‌ها حامی دولت‌های یازدهم و دوازدهم بودند. کوشش برای تغییر سیاست خودکفایی گندم و ایجاد مطالبه تغییر سیاست‌های کلان از دیگر اهداف پنهانی متون شرق است.

روزنامه شرق به شیوه‌های مختلف از نقد عملکرد دولت‌های یازدهم و دوازدهم می‌پرهیزد (از جمله: نسبت دادن بحران به دولت هشت‌ساله احمدی‌نژاد و قابل حل دانستن آن با صرفه‌جویی). برخی از متون روزنامه ایران نیز غیرمستقیم در خدمت توجیه علت ناکامی دولت‌های یازدهم و دوازدهم در حل بحران آب و کاهش مطالبات مردم از دولت است. این روزنامه متعلق به دولت است. در نتیجه، در متون آن، نقش عوامل مدیریتی در بحران آفرینی کم‌رنگ جلوه داده می‌شود و نویسندگان از انتقاد مستقیم به مسئولان و سیاست‌گذاران می‌پرهیزند؛ بنابراین، پرهیز از نقد عملکرد دولت در هر دو روزنامه مشهود است.

افزون بر این، در برخی از متون روزنامه شرق، مسئولان دولت در جایگاه اطلاع‌رسانی‌اند. همچنین، وظیفه آنان در زمینه آب منحصر به درخواست صرفه‌جویی و ارائه آمار و اطلاعات است. در روزنامه ایران نیز، وظایف دولت به ارائه آمار و اطلاعات، تأمین تسهیلات، تجهیز فنی و برنامه‌ریزی تقلیل می‌یابد؛ بنابراین، در هر دو روزنامه، مسئولیت‌ها و وظایف اصلی مسئولان دولت رؤیت‌ناپذیر می‌شوند.

هر دو روزنامه نقش تحولات بعد از انقلاب را در ایجاد بحران آب کم‌اهمیت جلوه می‌دهند. در روزنامه ایران، سدسازی‌ها به امریکایی‌ها و انگلیسی‌ها نسبت داده می‌شود و نقش مسئولان، سیاست‌گذاران بعد از انقلاب و شرکت‌های سدسازی به حاشیه رانده می‌شود. در برخی از متون شرق نیز، نقش تحولات بعد از انقلاب در استخراج آب‌های زیرزمینی کم‌اهمیت قلمداد می‌شود.

در روزنامه ایران، مردم به‌علت مشارکت نکردن در حل بحران آب سرزنش می‌شوند. در مقابل، نقش مسئولان و سیاست‌گذاران در ایجاد بحران و مسئولیت آنان در حل

آن کم اهمیت قلمداد می شود. به این ترتیب، ساختارهایی که مانع از مشارکت مردم می شوند رؤیت ناپذیر می شوند. همچنین، مشارکت مردم به صرفه جویی تقلیل می یابد. این روزنامه جامعه را ناجی آب جلوه می دهد و آنان را از تغییر سیاست گذاری های دولتی دلسرد می کند. افزون بر این، با سپردن وظیفه حل بحران آب به مردم، نقش و وظایف مسئولان را در حل بحران به حاشیه می راند. این موارد بیانگر مطابقت متون بررسی شده این روزنامه با روزنامه نگاری توسعه ای و وابستگی آن به دولت است.

روزنامه ایران در مواردی، به ظاهر، بحران آب را به «سوءمدیریت» نسبت می دهد، اما این مدیریت امری مربوط به گذشته قلمداد می شود نه مدیران و مسئولان فعلی. حتی به علت این سوءمدیریت «مردم» را سرزنش می کند. به این ترتیب، فرایندها، سیاست ها، منافع اقتصادی و سیاسی ای که مانع از مشارکت مردم در حکمرانی آب می شوند رؤیت ناپذیر می شوند. این امر نشان می دهد که نویسندگان متون مورد بررسی این روزنامه در چارچوب روزنامه نگاری توسعه ای عمل می کنند و از نقد دولت و عملکرد آن می پرهیزند.

در روزنامه شرق نیز نقش ساختارها، سیاست ها و روابط قدرت در نابرابری توزیع آب شهر و روستا و مسئولیت مسئولان حذف می شود. همچنین به علت محافظه کاری، اشتباهات مدیران گذشته به ناگاه می نسبت داده می شود تا منافع اقتصادی و سیاسی آنان رؤیت ناپذیر شود. موارد یاد شده نشان می دهد که سیاست، اقتصاد و مسائل اجتماعی در روزنامه نگاری محیط زیست نقش دارند و همان طور که اندرسون (۲۰۱۴) عنوان کرده بود، رسانه ها جریان های اطلاعاتی را به نفع قدرت های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دست کاری می کنند.

این موضوع که بحران آب بیشتر ناشی از فعالیت های انسانی است در سطح جهانی تقریباً پذیرفته شده است. بیرمان، بتسیل و گوپتا^۱ (۲۰۱۰) ادعا می کنند که بسیاری از مشکلات آب ناشی از فعالیت انسان و روش مدیریتی چندپاره است. از دهه ۱۳۴۰ تا کنون سیستم مدیریت آب ایران به صورت دولت محور اداره می شود. در این سیستم، دولت حضور برجسته ای دارد و جامعه مدنی غایب است. به همین علت، ذی نفعان در تصمیم گیری ها مشارکت ندارند؛ اما در برخی متون روزنامه های مورد بررسی، مردم که خود قربانی این سیستم اند، به سبب مشارکت نکردن سرزنش می شوند. در مقابل، این متون در جهت کاهش انتظارات از دولت های یازدهم و دوازدهم و رفع مسئولیت از قوه مجریه است.

روزنامه نگاری توسعه دربرگیرنده ارزیابی انتقادی برنامه های مرتبط با توسعه و اثرهای

آن بر جامعه و مردم است. در نتیجه، فقط در روزنامه شرق است که روزنامه‌نگاری توسعه توانسته تا حدودی نقش ایفا کند و آنچه در روزنامه ایران مشاهده می‌شود بیشتر مطابق با روزنامه‌نگاری توسعه‌ای است که در آن رسانه‌ها در خدمت دولت‌اند. در حالی که با توجه به مسائل زیست‌محیطی‌ای که ایران با آن مواجه است، نیاز به رسانه‌هایی که برنامه‌های توسعه را با دید انتقادی و ارزیابانه بررسی کنند بیش از گذشته احساس می‌شود.

بخشی از انتقادات در روزنامه‌های شرق متوجه محمود احمدی‌نژاد، رئیس دولت‌های نهم و دهم، است. به نظر می‌رسد، با توجه به کنترلی که در دوره ریاست‌جمهوری او بر مطبوعات وجود داشته است، نویسندگان فضای اندکی برای نقد اقدامات و سیاست‌های او که بر حوزه آب اثر گذاشته است، داشته‌اند و پس از تغییر دولت، از گشایش نسبی ایجاد شده استفاده کرده‌اند. در واقع، این نقدها برای اثرگذاری باید در زمان خود صورت می‌گرفته است. به نظر می‌رسد کنترل موجود بر مطبوعات مانع از این امر شده است. در نتیجه، روزنامه‌ها نتوانسته‌اند کارکردها و وظایف خود را به خوبی ایفا کنند.

همان‌طور که اشاره شد، برخی از متون روزنامه‌های مورد بررسی با هدف زمینه‌سازی برای سیاست‌گذاری‌ها و اجرای طرح‌های دولت‌های یازدهم و دوازدهم منتشر شده‌اند. این نکته حتی در روزنامه شرق که دولتی نیست، مشاهده می‌شود. می‌توان نتیجه گرفت روزنامه‌های بزرگ در مواقع بحران نقش دستگاه تبلیغاتی نهادهای اجرایی را بر عهده می‌گیرند. به عبارت روشن‌تر، رسانه‌های اصلی، به جای اینکه نماینده مردم باشند، به سخنگوی دولت تبدیل می‌شوند.

در روزنامه‌های مورد بررسی، پرداختن به مسئله آب به بهانه‌ای برای ناکارآمد جلوه دادن جناح مخالف، کاهش انتظارات از دولت‌های یازدهم و دوازدهم و رفع مسئولیت از قوه مجریه و نمایندگان مجلس تبدیل شده است؛ اما گفتمانی که مسئله آب را فراتر از مسئله‌ای جناحی در نظر می‌گیرد در متون روزنامه شرق حضور دارد. برخی متون این روزنامه حکمرانی غلط آب و توسعه ناپایدار را در مسئله آب دخیل می‌داند. این روزنامه مستقل‌تر از روزنامه ایران است؛ بنابراین، به ابعاد گسترده‌تری از مسئله آب پرداخته است. از این رو، پیشنهاد می‌شود زمینه‌ها برای تقویت رسانه‌های آزاد، مستقل و کثرت‌گرا که بتوانند فارغ از گرایش‌های جناحی و حکومتی به مسئله آب بپردازند، فراهم شود.

منابع و مأخذ

- بهرام پور، شعبانعلی (۱۳۷۹). «مقدمه گردآورنده» در تحلیل انتقادی گفتمان نورمن فرکلاف، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (۱۳۹۴). سند تفصیلی برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۹-۱۳۹۵)، تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
- شریفی، زینب، افسانه مظفری، علی دلاور و علی اکبر فرهنگی (۱۳۹۷). «تحلیل محتوای گزارش های زیست محیطی در مطبوعات ایران بر اساس معیارهای روزنامه نگاری محیط زیست»، فصلنامه مطالعات فرهنگ-ارتباطات، شماره ۴۱: ۸۹-۵۵.
- عبدالمنافی، نرجس السادات و مهدی مظاهری (۱۳۹۵). با نمایندگان مردم در مجلس دهم؛ نگاهی بر وضعیت کلی بخش آب. تهران: دفتر مطالعات زیربنایی مجلس شورای اسلامی.
- فرانکفورد، چاوا و دیوید نجمیاس (۱۳۸۱). روش های پژوهش در علوم اجتماعی، ترجمه فاضل لاریجانی و رضا فاضلی، تهران: سروش.
- فرزانه، محمدرضا، علی باقری و محمدحسین قوام آبادی رضانی (۱۳۹۶). «بنیان های نهادی بحران در مدیریت منابع آب زیرزمینی ایران»، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۶۴: ۹۴-۵۷.
- کالینز، گابریل (۱۳۹۶). سایه شوم ورشکستگی آبی در ایران، ترجمه محمد ارشدی و دیگران، مؤسسه منابع عمومی بیکر، تگزاس: دانشگاه رایس.
- کوبلی، پاول (۱۳۸۷). نظریه های ارتباطات. ترجمه احسان شاه قاسمی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- محمدی، بیوک (۱۳۹۰). درآمدی بر روش تحقیق کیفی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مسگران، پاول محسن و پویا آزادی (۱۳۹۷). برنامه ملی سازگاری با کم آبی در ایران، ترجمه الهام رستم آبادی سفلی، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه کشور.
- وبگاه وزارت نیرو (۱۳۹۹). اهداف کلان، بازیابی شده در: p3uwna/ir.yun
- ولایتی، سعداله (۱۳۹۷). منابع و مسائل آب در ایران با تأکید بر بحران آب، مشهد: انتشارات خراسان.
- یورگنسن، ماریان و لوتیز فیلیپس (۱۳۹۷). نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- Anderson, A. G. (2014). **Media, environment and the network society**. Palgrave Macmillan UK.
- Ayres, L. (2007). 'Qualitative Research Proposals—Part III'. **Journal of Wound, Ostomy and Continence Nursing**, 34(3), 242–244.
- Bavadam, L. (2010). **Environmental stories among the most challenging. The Green Pen: Environmental Journalism in India and South Asia**. India: SAGE Publishing
- Biermann, F. Betsill, M.M. & Gupta, J. (2010). 'Earth system governance: a research framework'. **Int**

- Environ Agreements**, 10, 277–298.
- Boykoff, M. T. & Boykoff, J. M. (2007). 'Climate change and journalistic norms: A case-study of US mass-media coverage'. **Geoforum**, 38(6), 1190–1204.
- Chalkley, A. (1980). 'Development journalism – a new dimension in the information process'. **Media Asia**, 7(4), 215–217.
- Chattopadhyay, S. (2019). 'Development Journalism'. **The International Encyclopedia of Journalism Studies**, 1–8.
- Cox, R. & Pezzullo, Ph. (2017). **Environmental Communication and the public sphere**. SAGE Publications.
- Friedman, Sh, M. (2015). 'The changing face of environmental journalism in the United States', in **The Routledge Handbook of Environment and Communication**, Hansen, A. & Cox, R. (Eds). Routledge.
- <http://www.environmentalscience.org/career/environmental-writer>
- <https://www.unwater.org/what-we-do/inform-policies/>
- Kalyango Jr, Y. Hanusch, F. Ramaprasad, J. Skjerdal, T. Hasim, M. S. Muchtar, N. & Kamara, S. B. (2017). 'Journalists' development journalism role perceptions: Select countries in Southeast Asia, South Asia, and sub-Saharan Africa'. **Journalism Studies**, 18(5), 576-594.
- Madani, K. AghaKouchak, A. & Mirchi, A. (2016). 'Iran's Socio-economic Drought: Challenges of a Water-Bankrupt Nation'. **Iranian Studies**, 49(6), 997–1016.
- Ogan, C. L. (1982). 'Development Journalism/Communication: The Status of the Concept'. **Gazette (Leiden, Netherlands)**, 29(1-2), 3–13.
- Rademakers, L. (2004). **Examining the handbooks on environmental journalism: A qualitative document analysis and response to the Literature**. Master thesis, University of South Florida.
- Rijsberman, F. R. (2006). 'Water scarcity: Fact or fiction?'. **Agricultural Water Managemet**, 80(1-3), 5–22.
- Shah, H. (2008). 'Development Journalism', in **The International Encyclopedia of Communication**. Wolfgang Donsbach (Ed.). John Wiley & Sons.
- UNwater (2020). 'Water scarcity'. Retrieved from: <https://www.unwater.org/water-facts/scarcity/>
- Van Dijk, T. A. (1993). 'Stories and Racism', in **Narrative and Social Control: Critical Perspectives**. Dennis K. Mumby (Ed.). Newburypark: SAGE.
- Vilanilam, J. V. (2009). 'Development communication', in **Practice: India and the millennium development goals**. NewDelhi, India: SAGE.